الله در روز قیامت و در برابر خلایق، مردی از امت مرا برخواهد گزید

از عبدالله بن عَمرو بن العاص رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «إِنَّ اللهَ سَيُخَلِّصُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي عَلَى رُءُوسِ الْخَلَائِقِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَيَنْشُرُ عَلَيْهِ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ سِجِلًّا، كُلُّ سِجِلٍّ مِثْلُ مَدِّ الْبَصَرِ، ثُمَّ يَقُولُ: أَتُنْكِرُ مِنْ هَذَا شَيْئًا؟ أَظَلَمَكَ كَتَبَتِي الْحَافِظُونَ؟ فَيَقُولُ: لَا يَا رَبِّ، فَيَقُولُ: أَفَلَكَ عُذْرٌ؟ فَيَقُولُ: لَا يَا رَبِّ، فَيَقُولُ: بَلَى إِنَّ لَكَ عِنْدَنَا حَسَنَةً، فَإِنَّهُ لَا ظُلْمَ عَلَيْكَ الْيَوْمَ، فَتُخْرَجُ بِطَاقَةٌ فِيهَا: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، فَيَقُولُ: احْضُرْ وَزْنَكَ، فَيَقُولُ: يَا رَبِّ مَا هَذِهِ الْبِطَاقَةُ مَعَ هَذِهِ السِّجِلَّاتِ؟ فَقَالَ: إِنَّكَ لَا تُظْلَمُ، قَالَ: فَتُوضَعُ السِّجِلَّاتُ فِي كِفَّةٍ، وَالْبِطَاقَةُ فِي كِفَّةٍ، فَطَاشَتِ السِّجِلَّاتُ، وَثَقُلَتِ الْبِطَاقَةُ، فَلَا يَثْقُلُ مَعَ اسْمِ اللهِ شَيْءٌ»: «الله در روز قیامت و در برابر خلایق، مردی از امت مرا برخواهد گزید. و برای او نود و نه کارنامه را می‌گشاید که هر کارنامه تا جایی که چشم می‌بیند گسترده است، سپس می‌فرماید: آیا چیزی از این را انکار می‌کنی؟ آیا نویسندگان ثبت کنندهٔ من به تو ظلم کرده‌اند؟ او می‌گوید: نه ای پروردگار. پس می‌فرماید: آیا عذری داری؟ می‌گوید: نه ای پروردگار. می‌فرماید: اما تو نزد ما یک حسنه داری و امروز ظلمی بر تو نمی‌شود. پس تکه کاغذ و کارتی بیرون آورده می‌شود که در آن نوشته شده: اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا عبده و رسوله. به او گفته می‌شود: آماده‌ی وزن شدن باش. وی می‌گوید: پروردگارا این تکه کاغذ در برابر آن کارنامه‌ها چه حساب می‌شود؟! می‌فرماید: به تو ستم نخواهد شد. پس کارنامه‌ها در یک کفه [ترازو] گذاشته می‌شود و آن تکه کاغذ در یک کفه و کارنامه‌ها سبک می‌شوند و آن تکه کاغذ سنگینی می‌کند؛ چون همراه با نام الله چیزی سنگینی نمی‌کند».

[صحیح است] [به روایت ترمذی و ابن‌ماجه]

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر می‌دهد که الله در روز قیامت و در برابر خلایق، مردی از امتش را برمی‌گزیند که او را برای حساب صدا می‌زنند و نود و نه کارنامه را که صحیفه‌های اعمال بد اوست و در دنیا انجام داده می‌آورند که طول هر کارنامه تا جایی است که چشم کار می‌کند. سپس الله عزوجل به این مرد می‌گوید: آیا چیزی را که در این کارنامه‌ها نوشته شده انکار می‌کنی؟ آیا ملائکهٔ حافظ من [با نوشتن چیزی خلاف واقع] به تو ظلم کرده‌اند؟ آن مرد می‌گوید: نه ای پروردگار. پس الله عزوجل می‌فرماید: آیا برای کارهای بدی که در دنیا کرده‌ای عذری داری؟ مانند اینکه آنها را از روی سهو، خطا یا نادانی انجام داده باشی؟ آن مرد می‌گوید: نه ای پروردگار، عذری ندارم. پس الله عزوجل می‌فرماید: اما نزد ما حسنه‌ای داری و امروز بر تو ظلمی نمی‌شود. پس تکه کاغذی بیرون آورده می‌شود که در آن نوشته شده: أشهد أن لا إله إلا الله، وأشهد أن محمدًا عبده ورسوله. = شهادت می‌دهم که هیچ معبودی (به حق) جز الله نیست و شهادت می‌دهم که محمد بنده و فرستاده اوست. آنگاه الله عزوجل خطاب به این مرد می‌فرماید: برای وزن شدن آماده باش. آن مرد از روی تعجب می‌گوید: پروردگارا، مگر این تکه کاغذ در برابر این کارنامه‌ها چه وزنی دارد؟! الله عزوجل می‌فرماید: ظلمی به تو نمی‌رود. پس کارنامه‌ها در یک کفه و تکه کاغذ در کفه‌ای دیگر گذاشته می‌شود و کفه‌ای که کارنامه‌ها در آن است سبک می‌شود و کفه‌ای که آن تکه کاغذ در آن است سنگینی می‌کند و به این ترتیب الله او را می‌آمرزد.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/65033